

حیات و گیاهان

حیواناتی که می خندند

پیشگامان علم و ادب
کتاب و دست و پا و دهان و زبان
زبان کوئی



حیوانی که می خندد

بررسی تطبیقی جنبه‌های طنز در
کلیله و دمنه و افسانه‌های ازوپ

نویسنده: زینب کوشکی



انستیتو ات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)



مرکز آفرینش های ادبی / دفتر پژوهش

حیوانی که می خندد
بررسی تطبیقی جنبه های طنز
در کلیله و دمنه و افسانه های اروپا

نویسنده: دکتر زینب کوشکی

ویراستار: سیده سارا قربانی تنها

چاپ، صحافی: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۶۷۳-۱

سرشناسه: کوشکی، زینب، ۱۳۶۲ -

عنوان و نام پدیدآور: حیوانی که می خندد: بررسی تطبیقی
جنبه های طنز در کلیله و دمنه و افسانه های اروپا / نویسنده
زینب کوشکی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۴۶۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۶۷۳-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: افسانه های اروپا -- نقد و تفسیر

Aesop's fables -- Criticism and interpretation

موضوع: کلیله و دمنه -- نقد و تفسیر

Kalilah va Dimnah -- Criticism and interpretation

موضوع: حیوان ها -- افسانه ها و قصه ها

Animals -- Legends and stories

موضوع: ادبیات تطبیقی -- فارسی و یونانی

Persian and Greek -- Comparative literature

موضوع: ادبیات تطبیقی -- یونانی و فارسی

Comparative literature -- Greek and Persian

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ح ۹ ک / P۸۳۸۵۸

رده بندی دیویی: ۳۹۸/۲۴۵۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۸۶۶۶۵

نشراتی: تهران: خیابان حافظ، خیابان رشت: پلاک ۴۳

چاپ و ت: بیست و یک: ۱۴۴۱ - ۱۵۸۱۵

تلفن: ۶۱۹۲۴ سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز بخشی: (پنج خط) ۶۶۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست

۱۱	 مقدمه
۱۳	 پیشینه پژوهش
۱۵	 فصل نخست: طبقه بندی سخن غیر جد
۱۷	 ۱-۱. حیوانی که می خندد
۱۹	 ۲-۱. انواع خنده
۲۲	 ۳-۱. انواع سخن غیر جد
۲۴	 ۱-۳-۱. طنز
۲۹	 ۱-۳-۱. طنز در غرب
۳۱	 ۲-۳-۱. طنز در ایران
۳۲	 ۳-۳-۱. انواع طنز
۳۵	 ۴-۳-۱. موضوع های طنز
۳۶	 ۵-۳-۱. شیوه های طنز
۵۴	 ۲-۳-۱. هزل
۵۷	 ۱-۲-۳-۱. معانی هزل از دیدگاه شاعران و نویسندگان
۶۰	 ۳-۳-۱. هجو
۶۴	 ۱-۳-۳-۱. موضوع و انگیزه هجو
۶۶	 ۲-۳-۳-۱. هجو در ادبیات غرب
۶۷	 ۴-۳-۱. تفاوت های طنز و هزل و هجو
۶۹	 ۴-۱. کمندی
۷۲	 ۵-۱. زمینه های فردی و اجتماعی گرایش طنزپردازان به ایراد سخن غیر جد
۷۸	 ۶-۱. نتیجه فصل

فصل دوم: قصه، افسانه، و تمثيل حيوانات.....	۷۹
۱-۲. ادبيات عاميانه.....	۸۱
۱-۱-۲. قصه.....	۸۵
۲-۱-۲. افسانه.....	۸۶
۱-۲-۱-۲. افسانه‌های حيوانات.....	۸۸
۳-۱-۲. تأثير هم‌زيستي انسان با حيوانات در ادبيات.....	۸۹
۴-۱-۲. اعتقادات خرافي ايرانيان درباره حيوانات.....	۹۰
۲-۲. مثل و تمثيل.....	۹۳
۳-۲. نماد.....	۹۷
۴-۲. اسطوره.....	۹۸
۵-۲. تفاوت تمثيل با نماد و اسطوره.....	۱۰۰
۶-۲. انواع تمثيل.....	۱۰۲
۱-۶-۲. الگوري.....	۱۰۳
۲-۶-۲. پارايل.....	۱۰۵
۳-۶-۲. اگزيميلوم.....	۱۰۶
۴-۶-۲. پروورب.....	۱۰۷
۵-۶-۲. فابل.....	۱۰۷
۱-۵-۶-۲. تفاوت فابل با الگوري و پارايل.....	۱۱۰
۲-۵-۶-۲. معادل فابل در ادبيات فارسي.....	۱۱۱
۳-۵-۶-۲. قدمت فابل.....	۱۱۳
۴-۵-۶-۲. مشهورترين فابل‌های جهان.....	۱۱۷
۷-۲. نتيجۀ فصل.....	۱۵۸
فصل سوم: طنز در افسانه‌های حيوانات.....	۱۶۱
۱-۳. مقدمه.....	۱۶۳
۲-۳. مثل.....	۱۶۶
۳-۳. شيوه‌های طنز در حكايات حيوانات.....	۱۶۹
۴-۳. مشهورترين حكايات طنزآمیز حيوانات در ادبيات فارسي.....	۱۷۹
۱-۴-۳. در ادبيات پهلوي.....	۱۸۰
۲-۴-۳. در آثار كهن فارسي.....	۱۸۳

۳-۴-۳. در آثار معاصر فارسی.....	۱۹۵
۵-۳. مشهورترین افسانه‌های طنزآمیز حیوانات در آثار غربی.....	۱۹۸
۵-۳-۱. قلعهٔ حیوانات جورج اورول.....	۲۰۰
۳-۶. زمینه‌های تاریخی و اجتماعی ظهور طنز در افسانه‌های ازوپ و کیلیله و دمنه.....	۲۰۲
۳-۷. نتیجهٔ فصل.....	۲۱۱
فصل چهارم: بررسی طنز در افسانه‌های ازوپ و حکایات کیلیله و دمنه.....	۲۱۳
۴-۱. طنز در کیلیله و دمنه و افسانه‌های ازوپ.....	۲۱۵
۴-۲. خلاصهٔ حکایات کیلیله و دمنه و تحلیل طنز در آن.....	۲۱۹
۴-۲-۱. تمهید بزرجمهر.....	۲۱۹
۴-۲-۲. باب برزویهٔ طیب.....	۲۲۱
۴-۲-۳. باب شیر و گاو.....	۲۲۶
۴-۲-۴. باب بازجست کار دمنه.....	۲۴۶
۴-۲-۵. باب دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو.....	۲۵۱
۴-۲-۶. باب بوف و زاغ.....	۲۵۶
۴-۲-۷. باب بوزینه و باخه.....	۲۶۸
۴-۲-۸. باب زاهد و راسو.....	۲۷۲
۴-۲-۹. باب گربه و موش.....	۲۷۴
۴-۲-۱۰. باب پادشاه و قنّزه.....	۲۷۵
۴-۲-۱۱. باب شیر و شغال.....	۲۷۷
۴-۲-۱۲. باب تیرانداز و ماده‌شیر.....	۲۷۹
۴-۲-۱۳. باب زاهد و میهمان او.....	۲۸۰
۴-۲-۱۴. باب پادشاه و برهمنان.....	۲۸۱
۴-۲-۱۵. باب زرگر و سیاح.....	۲۸۶
۴-۲-۱۶. باب شاهزاده و یاران او.....	۲۸۸
۴-۳. خلاصهٔ افسانه‌های ازوپ و تحلیل طنز در آن.....	۲۹۹
فصل پنجم: بررسی تطبیقی کیلیله و دمنه و افسانه‌های ازوپ ...	۴۰۹
۵-۱. شباهت‌های کلی دو اثر.....	۴۱۱
۵-۱-۱. حکایات متناظر.....	۴۱۱
۵-۱-۲. مضامین مشترک.....	۴۱۳
۵-۱-۳. «قابل» بودن بیشتر حکایات.....	۴۲۹

۴۲۹		۴-۱-۵. شخصیت پردازی های مشترک
۴۳۱		۱-۴-۱-۵. شخصیت های حیوانی مشترک
۴۳۸		۲-۴-۱-۵. شخصیت های تمثیلی و غیر حیوانی مشترک
۴۳۸		۲-۵. تفاوت های کلی دو اثر
۴۳۸		۱-۲-۵. حکایات نامتناظر
۴۳۹		۱-۱-۲-۵. مضامین متفاوت
۴۴۱		۲-۱-۲-۵. شخصیت های متفاوت
۴۴۲		۳-۱-۲-۵. سبک و ساختار حکایات
۴۴۴		۳-۵. شباهت ها و تفاوت های طنز در افسانه های ازوپ و کلیله و دمنه
۴۴۵		۱-۳-۵. اشتراکات طنز در دو اثر
۴۴۵		۱-۱-۳-۵. قالب فابل
۴۴۶		۲-۱-۳-۵. تناقض
۴۴۹		۳-۱-۳-۵. پیام اخلاقی انتقادی
۴۵۰		۴-۱-۳-۵. کاربرد مضامین مشترک با قابلیت طنز
۴۵۰		۵-۱-۳-۵. طنز موقعیت یا وضع خاص پدیده ها
۴۵۲		۶-۱-۳-۵. طنز کلامی
۴۵۴		۲-۳-۵. افتراقات طنز در دو اثر
۴۵۵		۱-۲-۳-۵. طول حکایت
۴۵۶		۲-۲-۳-۵. کاربرد طنز کلامی
۴۵۸		۳-۲-۳-۵. کاربرد مضامین ممنوع و تابو
۴۵۹		نتیجه گیری
۴۶۳		کتاب نامه

تقدیم به لبخند لب پریده مادرم

که همواره

در آینه نگاه نگرانش

الماس انعکاس یافت...

مقدمه

ادبیات هر سرزمینی آکنده از قصه‌ها و افسانه‌های شنیدنی است؛ افسانه‌هایی که هریک حاکی از سیر اندیشه‌ها، باورها و تجربه‌های مردمان اعصار دورند و به مثابه آینه‌های تمام‌نمای فرهنگ و تمدن اقوام و ملل قلمداد می‌شوند؛ آینه‌هایی که نه تنها غبار نمی‌گیرند، بلکه همواره روشن‌گر سایه‌های غبارآلود تاریخ در پیش چشم مخاطبان بوده‌اند و ابعاد ناپیدای تاریخ تمدن را به روشنی انعکاس می‌دهند.

گاه، در میان افسانه‌ها و قصه‌های مشهور ادبیات جهان، از نظر کاربرد مضامین، صورت و ساختار، شباهت‌های درخور توجهی به چشم می‌خورد. این امر، غیر از اقتباس نویسندگان از یکدیگر یا برداشت‌هایی از یک الگوی مشترک، مسلماً می‌تواند گویای قرابت و نزدیکی فرهنگ‌ها و باورهای عامیانه‌ای باشد که در سرزمین‌های خاستگاه آن آثار رایج بوده است.

در این میان، «افسانه‌های تمثیلی حیوانات» بخش عمده‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. این قسم از افسانه‌ها، از دیرباز و در

تاریکی‌های تاریخ تمدن بشری، به دایره تفکرات انسان راه یافته و تاکنون نیز جایگاه خود را حفظ کرده‌اند، زیرا ارتباط انسان با حیوانات از بدو تاریخ آغاز شده است. این ارتباط بسیار ساده حتی باعث شده انسان نگرشی خاص به حیوانات پیدا کند و گذشته و آینده خود را بخشی از حیات این موجودات قلمداد کند. بدین ترتیب، زمینه‌ای برای شکل‌گیری عقیده «تناسخ» و باور به حلول روح انسان در حیوانات و بسیاری از اندیشه‌های خرافی درباره حیوانات فراهم شود. پس، بی‌تردید، انسانی که همواره با جانوران تعامل داشته و برای بقای خویش به آن‌ها وابسته بوده است، از این موجودات، به‌منزله ملموس‌ترین ایده‌ها، در خلق افسانه‌هایی جذاب و خواندنی الهام می‌گیرد و این امر به خلق آثار بسیاری در قالب افسانه‌های حیوانات منجر می‌شود.

در عموم این افسانه‌ها، که با شخصیت‌بخشی به حیوانات آن‌ها را به شکل موجوداتی با خصایص کاملاً انسانی معرفی می‌کند، زبان تمثیلی غیر جد و به عبارتی زبان «طنز» غیر مستقیمی به کار رفته است تا حیوانات را به‌منزله کاریکاتوری از انسان، با همه خصایص بد و خوب انسانی، به نمایش درآورد و به این وسیله به نقد و نکوهش غیر مستقیم رذایل اخلاقی و تناقضات موجود در جوامع بپردازد. به عبارتی، طنز، با خاصیت تیغ جراحی، زخم‌های عفونی روح بشر را می‌شکافد و منشأ دردهای معنوی انسان را به رخ می‌کشد و با این شیوه، به حکم همیشگی خود، در اصلاح جامعه یاری می‌رساند. این شگرد ویژگی مشترک بسیاری از آثار ادبی جهان در مقوله افسانه‌های حیوانات به شمار می‌آید. بررسی شگردهای به کار رفته در طنز این حکایات، راه‌های تازه‌ای را در مسیر رمزگشایی از ابعاد هنری آثاری از این دست پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد.

نگارنده پژوهش حاضر را در سایه لطف خداوند و در پی همراهی علمی و معنوی دانشگاه محترم بین المللی امام رضا علیه السلام و هدایت و همراهی استادان ارجمند زبان و ادبیات فارسی، سرکار خانم دکتر ساره زیرک، سرکار خانم دکتر مهدخت پورخالقی چترودی، جناب آقای دکتر فرهاد طهماسبی و جناب آقای دکتر فرزاد قائمی به رشته نگارش در آورده و به دست نشر سپرده است که شایسته است در آغاز سخن، از زحمات تمامی این عزیزان و به ویژه یاری و همراهی جناب آقای دکتر اسماعیل امینی، شاعر زبردست طنزپرداز، که مشوق اصلی انتشار این اثر بودند، سپاس درخور به جای آید. امید است اثر پیش رو معرف نگاهی تازه به خوانش متفاوت آثار به ظاهر جدی ادبیات فارسی در قیاس تطبیقی با متون ادبی جهان قرار گیرد و نیز در نگاهی علمی به موضوع طنز، بابی تازه پیش روی محققان و دانشجویان بگشاید.

پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر با تأملی در آثار محققان پیشین و تحلیل نظریات موجود در موضوع طنز و نیز افسانه‌های حیوانات یا فابل صورت گرفته است. در کتاب ادبیات ایران در ادبیات جهان دکتر امیر اسماعیل‌آذر، برخی از وجوه مشترک مضمونی دو کتاب افسانه‌های ازوپ و کلیله و دمنه مطرح شده است که البته وجه طنز را دربر نمی‌گیرد. همچنین، در برخی از آثار مطرح در حوزه طنز، همچون تاریخ طنز و شوخ طبعی در ایران و جهان اسلام دکتر علی اصغر حلبی، خنده‌سازان و خنده‌پردازان عمران صلاحی و طنز و انتقاد اجتماعی در ادبیات پیش از مشروطیت حسن جوادی، افسانه‌های حیوانات به منزله یکی از شیوه‌ها و ترفندهای طنزپردازی مورد توجه قرار گرفته است. اما در دو مقاله «طنز و انتقاد در داستان‌های حیوانات» حسن جوادی و «آفرینش طنز و مطایبه در کلیله و دمنه» نجمه سروری، به طور مشخص، به موضوع طنز در آثاری از نوع فابل در ادبیات فارسی پرداخته شده است.

فصل نخست

طبقه‌بندی سخن غیر جد

۱-۱. حیوانی که می خندد

حیوانات دوستان خوبی اند. آن‌ها نه سؤال می‌کنند و نه انتقاد (جورج الیوت).

خنده چیست؟ چگونه پدید می‌آید؟ اصولاً به چه چیز می‌خندند و آیا این امر ارادی است یا غیر ارادی؟ این‌ها سؤالاتی است که به بحثی مفصل و پرداختن به نظریه‌های پیچیده روان‌شناختی نیاز دارد. اما روزنتال در تعریفی مختصر می‌گوید:

خنده عبارت از به جوش آمدن خون است بر اثر اینکه انسان چیزی را می‌بیند یا می‌شنود که او را سرگرم ساخته از جا می‌پراند و یا حرکت می‌دهد و اگر او بی‌درنگ نتواند توانایی خود را جهت ارتباط آن وضع با اندیشه‌های خود به کار اندازد، خنده بر وی غالب می‌شود (حلبی، ۱۳۶۴: ۶۰).^۱

ارسطو اولین کسی است که هنگام بحث درباره کمدی از آن به منزله شیوه‌ای برای نیل به خنده یاد می‌کند (ارسطو، ۱۳۷۵: ۱۲۰). وی معتقد است: «ما تنها موجوداتی هستیم که احساس می‌کنیم ناگزیر از خندیدنیم» (استات، ۱۳۸۹: ۲۹). همان‌طور که ابن‌سینا از انسان به عنوان «حیوان ضاحک» یا به عبارتی جانوری خندان یاد می‌کند. البته باید گفت منظور ارسطو خنده‌هایی است که از قوه ادراک

1. Franz Rosenthal (1914-2003)

و تعقل و تخیل، که خاص انسان است، نشئت می‌گیرد؛ که در این صورت با شواهدی که علم جانورشناسی از رفتار خنده، مانند خنده میمون‌ها در هنگام بازی و کارهای شبیه به شوخی آن‌ها، دریافت داشته است، متفاوت خواهد بود (وکیلی، ۱۳۸۳: ۶۶). همچنین، جانورشناسان این ویژگی را در رفتار سگ‌ها نیز مشاهده کرده‌اند که مسلماً با خندیدن انسان متفاوت است (کریجلی، ۱۳۸۴: ۳۹).

اما، مسلماً، علل و عوامل محیطی در این خنده عاقلانه مؤثرند. البته این تأثیر نیز ساخته و پرداخته ذهن انسان است. هنری برکسون^۱ در این باره می‌گوید: بیش از هر چیز باید توجه داشت آنچه مضحک یا خنده‌انگیز می‌نامند چیزی نیست که خارج از حد و مرز آنچه دقیقاً انسان می‌گوید وجود داشته باشد. یک منظره، هرچند که زیبا و دیدنی باشد یا بالعکس بی‌معنا و نازیبا، خندیدنی نیست. شما ممکن است به یک جانور بخندید، اما این تنها برای آن است که شما در آن یک وضعیت یا حالتی انسانی، یعنی مربوط به انسان، کشف کرده‌اید. شما ممکن است به یک کلاه بخندید، ولی آنچه شما به آن می‌خندید پاره نمد یا حصیر نیست، بلکه خنده شما برای شکلی است که آدمیان به آن داده‌اند. این مایه تعجب است که واقعیتهایی به این اهمیت، ولی در عین حال ساده، توجه فیلسوفان را به خود جلب نکرده است. هنری برکسون در مقاله «خنده، مقاله‌ای در معنای طنز» در این باره می‌گوید: بسیاری انسان را به «حیوانی که می‌خندد» تعریف کرده‌اند. آن‌ها می‌بایست همراه این تعریف، او را به «حیوانی هم که به او می‌خندند تعریف می‌کردند، زیرا اگر جانور یا شیئی بی‌جان همین اثر را ایجاد کند، همواره خنده‌انگیز بودن به سبب شباهتی است که آن نقش با انسان و خصوصیات انسانی دارد (حلبی، ۱۳۶۴: ۶۱)^۲

۱. Henry Berkson (۱۸۵۹-۱۹۴۱) فیلسوف فرانسوی

2. Loughter, an Essay on the meaning of the comic, London, 1911, pp 3-4, tr by Cloudsley Brerton and Fred Rothwell.

۲-۱. انواع خنده

«خنده» انواع مختلفی دارد: تبسم و لبخند، قهقهه و ریسه و... ادیبان گاه خنده لطیف معشوق را نیز «شکرخند» خوانده‌اند. البته خنده همیشه با بار مثبت و اخلاق‌مدارانه همراه نیست. گاه مغرضانه و با طعنه و کنایه است، که آن را «نیشخند» و «پوزخند» می‌نامند و گاه با تلخی و تأسف همراه است، که اصطلاح «تلخند» را برای آن به کار می‌برند، و گاه تأثیری است که پشت لبخندی تصنعی و اجباری پنهان می‌شود. دکتر زرین‌کوب درباره عبید زاکانی^۱ و لودگی‌های او چنین می‌گوید: شوخی‌ها و لودگی‌های او زهرخندی بر روزگاری است که در آن همه ارزش‌ها باژگونه شده است و هرچیز زشت و پست و غیر انسانی را با یک نام وارونه، به عنوان امری مقبول، معقول، و انسانی، جلوه داده‌اند. خنده او خنده یک انسان عاصی است که لب‌هایش را به نشان ناقبولی و ناباوری به خنده باز می‌کند، اما دلش از خون لبالب و از خشم و نفرت سرریز است (زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۴۷).

طالب آملی می‌گوید:

تبسمی اگرم رو دهد ز عیش ندانی
که گاهی آدمی از کثرت ملال بخندد

□

در شعر معاصر نیز، گاه از خنده‌های ناشی از اندوه سخن گفته می‌شود و چنین نگاه متأثرانه‌ای به لبخند وجود دارد.

اگرچه شمع و از سوختن نپرهیزی
نبینمت که غریبانه اشک می‌ریزی

۱. عبید زاکانی (وفات ۷۷۱ ق) معروف‌ترین طنزپرداز فارسی‌زبان و صاحب آثاری چون موش و گربه و رساله دلگشا.

هنوز غصه خود را به خنده پنهان کن
بخند اگرچه تو با خنده هم غم انگیزی

□

شادم تصور می کنی وقتی ندانی
لبخندهای شادی و غم فرق دارند
من با یقین کافر، جهان با شک مسلمان
با این حساب اهل جهنم فرق دارند

(نظری، ۱۳۸۶: ۲۷-۵۱)

به هر ترتیب، در بحث «سخنان غیر جد» باید این نکته بسیار مهم را متذکر شد که پیوند خنده با شوخی بحث‌های مفصلی را میان صاحب‌نظران دامن زده است که چیره‌ترین نگرش در آن میان، ترکیب رفتاری «شوخی - برانگیختگی - تخلیه هیجان - خنده» است. این نگرش زیست‌شناسانه خنده را نوعی رفتار پاداش‌دهنده و دوستانه، ولی هیجان‌انگیز، مثل بازی، می‌داند که با بسیاری از مدل‌های روان‌شناختی هم‌خوانی دارد (وکیلی، ۱۳۸۳: ۶۸-۶۹).

اما خنده‌های ناشی از هریک از انواع شوخی یا سخنان غیر جد، اعم از طنز و هزل و هجو - چنان‌که معرفی خواهند شد - باهم متفاوت است، زیرا اهداف انواع سخن غیر جد نیز باهم تفاوت دارد. گاه خندیدن، به منزله ابزاری در راستای هدف انتقاد و نکوهش از اوضاع و نابسامانی‌هایی که منظور نظر طنزپرداز است، می‌تواند مخاطب را با خود همراه کند یا به عبارتی مخاطب را از دست ندهد و تا آخر او را مجذوب مطالب خویش کند و پیام اصلی کلام نویسنده را تأثیرگذار و به یادماندنی منتقل کند. البته از آنجا که مخاطبان هریک از انواع سخنان غیر جد باهم متفاوت‌اند، خنده ناشی از این سخنان بر آن‌ها تأثیری متفاوت می‌گذارد.

به عبارتی، طنز و زیرمجموعه‌های آن ارواح فرزانه و فرهیخته را به قصد آگاه کردن شادمانه آن‌ها از موضوعی مخاطب قرار می‌دهند. هزل و زیرمجموعه‌های آن ارواح اشخاص معمولی و سطحی‌نگر را صرفاً برای خندانند در نظر دارند. ولی هجو و همه زیرمجموعه‌های آن با بی‌رحمی به مخاطبان خود توهین و آن‌ها را تحقیر می‌کند و خنده ناشی از هجو نمی‌تواند لطیف باشد. بی‌گمان، فقط هوشمندان از طنز به لذت و شادمانی می‌رسند و هرچه از آن فروتر رویم، با افرادی که ضریب هوشی کمتری دارند روبه‌رو خواهیم بود (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۶).

به هر ترتیب، مبنای طنز بر خنده است، اما نه خنده شوخی و شادمانی؛ بلکه خنده‌ای تلخ و جدی و دردناک و همراه سرزنش و کمابیش زننده و نیشدار که با ایجاد ترس و بیم خطاکاران را به خطای خود متوجه می‌کند و معایب و نواقصی را که در حیات اجتماعی پدید آمده است برطرف می‌کند. این نوع خنده خنده علاقه و دلسوزی است. ناراحت می‌کند، اما ممنون می‌سازد و کسانی را که در معرض آن‌اند به اندیشه و تفکر وامی‌دارد (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۳۶).

از دیدگاه دکتر زرین‌کوب، نویسنده طنز نیازی به جست‌وجو و تلاش برای یافتن موضوعی خنده‌دار ندارد. در هرچه بنگرد، می‌تواند مضمونی را که مطلوب اوست پیدا کند؛ به شرط آنکه از دیدگاه مناسب به دنیا نگاه کند (زرین‌کوب، ۱۳۷۹ الف: ۵۵۵).

وی زندگی را پر از چیزهای خشم‌انگیز می‌داند که در آن فقط هوشمندان می‌توانند از این امور جنبه‌های مضحک را دریافت کنند و به جای سختگیری، خونسردانه به آن بخندند. وی همچنین تفاوت انسان‌ها را در عقل و هوش می‌داند و نه در قلب و احساس و از این رو طنزنویسان را نوابی بزرگ معرفی می‌کند (همان: ۵۵۶-۵۶۰).

البته، طبق نظر دکتر شفيعی کدکنی، «طنز و خنده» ملازمه‌ای ندارند. وی می‌گوید: «گاه یک طنز می‌تواند شخصی را بگریاند. داستان آن مردی که در تموز گرم نیشابور یخ می‌فروخت و کسی خریدارش نبود و می‌گفت: 'نخريدند و تمام شد!' از دردناک‌ترین طنزهای جهان است.» و از قول حکيم سنایی، این طنز دردناک انسانی را چنین نقل می‌کند:

مثلت هست در سرای غرور

مثل یخ فروش نیشابور

در تموز آن یخک نهاده به پیش

کس خریدار نی و او درویش...

این همی گفت و زار می‌گریید

که بسی مان نماند و کس نخريد!

و تصویر اجتماع نقیضین، در مصراع آخر، طنز معرفی می‌شود (شفيعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۰۳).

۳-۱. انواع سخن غیر جد

از آنجا که در پژوهش حاضر تحلیل و بررسی عناصر طنز به منزله نوعی از سخنان غیر جد مد نظر است، نگارنده لازم می‌بیند نخست به تعریف سخن غیر جد در مقابل سخن جدی بپردازد و حد و مرز سخنان غیر جد را مشخص کند تا منظور از «طنز» و ویژگی‌های آن به روشنی تبیین شود. البته قبل از ارائه تعاریف باید متذکر شد که بررسی و شناخت کلام شوخ طبعانه امری است که به قلمروی میان‌رشته‌ای تعلق دارد و حوزه‌ای از فرهنگ عامیانه را بررسی می‌کند. این شاخه‌ها عبارت‌اند از: «زیست‌شناسی / عصب‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، رفتارشناسی، مردم‌شناسی، و جامعه‌شناسی» (وکیلی، ۱۳۸۳: ۶۷).

که رساله پیش رو در پرداختن به همه این زمینه‌ها با تنگنای ارتباط موضوعی مواجه است و لازمه این امر را مجالی مناسب‌تر می‌داند. اما درباره تقسیمات سخن به «جد و غیر جد»، باید گفت سخن جد در قیاس با سخن غیر جد مفهوم می‌یابد و قابل تعریف است؛ یعنی کلام جدی کلامی است که غیر جد یا شوخ طبعانه نباشد.

واعظ کاشفی می‌گوید: «جد در لغت نقیض هزل است؛ و در اصطلاح عبارت است از گفتن سخن بر سبیل راستی و درستی» (کاشفی، ۱۳۶۹: ۸۲). به اعتبار اهداف، آنجا که گوینده به انگیزه یا هدفی در حیطه امور و مبانی رسمی و جدی کلام سخن می‌گوید و هدف وی از آن کلام چیزی جز امور و مفاهیم جدی نیست، سخن جد است. همچنین، به اعتبار ابزار نیز، زمانی که گوینده یا نویسنده در انعقاد کلام و القای مفاهیم از ابزارها و شیوه‌های کلام علمی، رسمی، و تک‌خوانشی کمک می‌گیرد، کلام جدی است. البته پرداختن به این انواع، یعنی اهداف و ابزارهای کلام جدی، منظور این رساله نیست و توضیح و تشریح این مبحث باعث اطاله کلام و دور شدن از بحث اصلی می‌شود. تأکید این رساله بیشتر بر انواع سخن غیر جد است که چه بسا ویژگی‌های سخنان جدی نیز در قیاس یا تقابل با این مفاهیم به‌وضوح تبیین شود. درباره سخنان غیر جد همواره عقاید و تعریف‌های مختلفی وجود داشته است. هریک از صاحب‌نظران قدیم و جدید، در حوزه ادبیات فارسی، عناوین مختلف این سخنان را در معنای خاصی به کار برده‌اند و سخنان غیر جد را، برحسب اهداف و مقاصد شوخ طبعان و نیز شیوه‌ها و وسایل این شوخ طبعی، به شاخه‌ها و دسته‌های گوناگونی تقسیم کرده‌اند. ادبیات غرب نیز در تعریف انواع سخن غیر جد، با توجه به ویژگی‌های مختص خویش، تعریف‌هایی ارائه کرده است که در جوهی با ادبیات فارسی و ادبیات عرب اشتراکاتی دارد. در این

فصل، تلاش شده ضمن ارائه تعریف‌های گوناگون، انواع سخن غیر جد، عرصه طنز، و حد و مرز آن با سایر سخنان غیر جد تبیین شود تا زمینه مباحث اصلی مورد نظر این رساله فراهم آید.

۱-۳-۱. طنز

طنز^۱ در لغت به معنای مسخره کردن و طعنه زدن و در اصطلاح، شعر یا نثری است که در آن حماقت یا ضعف‌های اخلاقی، فساد اجتماعی، اشتباهات بشر، یا حتی تناقضاتی که به نظر طنزپرداز جای تأمل و توجه دارد، با شیوه‌ای تمسخرآمیز و اغلب غیر مستقیم بازگو شود. شاعر یا نویسنده طنزپرداز، با به سخره گرفتن اشخاص یا آداب و رسوم و مسائل موجود در جامعه، از آن‌ها انتقاد و بدین طریق آن‌ها را محکوم می‌کند؛ با این هدف که ناهنجاری‌های اخلاقی و نابسامانی‌های جامعه اصلاح شود. معروف‌ترین توصیفی که از طنز ارائه شده از جان‌اتان سوپت^۲، نویسنده طنزپرداز انگلیسی، است. به نظر او، «طنز آینه‌ای است که هرکس هر چهره‌ای را در آن کشف می‌کند، مگر چهره خودش را.» اما از نظر او، قصدِ طنز بدخواهی و کینه‌توزی نیست، بلکه او طنز را درمان‌بخش و شفادهنده عیب‌ها و دردهای جامعه می‌داند (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۸۰).

در این معنا:

قلم طنزنویس کارد جراحی است، نه چاقوی آدم‌کش. با همه تیزی و برندگی‌اش، جانکاه و مودی و کشنده نیست؛ بلکه آرام‌بخش و سلامت‌آور است. زخم‌های نهانی را می‌شکافد و می‌برد و چرک و ریم و پلیدی‌ها را بیرون می‌ریزد. عفونت را می‌زداید و بیمار را بهبود می‌بخشد (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۳۶).

1. satire

۲. J. Swift (۱۶۶۷-۱۷۴۵) نویسنده انگلیسی

به نظر امیرتو اکو، توجیه نشانه‌شناسی طنز بر این مبناست که هر فرد، براساس پیشینه فرهنگی خود، هنجارهایی را می‌پذیرد و در زندگی برای برقراری ارتباط با دیگران از نشانه‌ها استفاده می‌کند. نشانه‌ها نظامی مخصوص به خود دارند و کارایی مشخصی از آن‌ها انتظار می‌رود. حال، اگر فرد یا متنی این نظام را بر هم زند، ممکن است با متنی طنزآمیز روبه‌رو باشیم (اخوت، ۱۳۷۱: ۳۱-۳۳).

همچنین، لطیفه‌ها را از دیدگاه معناشناسی بررسی کرده‌اند. به نظر ویکتور راسکین، برای درک معنای لطیفه توجه به دو عامل ضروری است: ۱. از قبل بدانیم که با یک لطیفه روبه‌رو هستیم؛ ۲. میان اجزای لطیفه تناقضی موجود باشد که خود به مفهوم نامتجانس بودن با منطق روزمره است (همان: ۳۰-۳۱).

نظر دکتر شفیعی کدکنی دربارهٔ طنز نیز - که مؤید دو نظر اخیر است - درخور توجه است. ایشان در تعریفی کوتاه آورده‌اند: طنز عبارت است از «تصویر هنری اجتماع نقیضین و ضدین» (شفیعی، ۱۳۸۰: ۳۰۲). وی با استناد بر این عقیدهٔ منطقی، که اجتماع ضدین و نقیضین محال است، ظهور طنز را در همراهی تناقضات و ضدیت‌ها متجلی می‌داند و می‌گوید: از دیدگاه منطق نمی‌توان تصور کرد که یک چیز هم سیاه باشد و هم سفید یا یک چیز در یک آن در حال حرکت باشد و در همان آن در حال سکون. اما هنر منطق خویش را دارد و در منطق هنر، یعنی از رهگذر خلاقیت و نبوغ هنرمند، می‌توان پذیرفت که یک چیز هم ساکن باشد و هم در همان لحظه در حال حرکت (همان: ۳۰۳).

ایشان این بیت از واعظ قزوینی را شاهد مثال آورده‌اند:
 ز خود هرچند بگریزم، همان در بند خود باشم
 رم آهوی تصویرم شتاب ساکنی دارم...

همچنین، از عبید نیز نمونه‌هایی آورده‌اند:
خطیبی را گفتند: «مسلمانی چیست؟» گفت: «من خطیبم، مرا
با مسلمانی چه کار؟»

یا

قزوینی را پسر در چاه افتاد. گفت: «جانِ بابا! جایی نرو تا
من بروم رسن بیاورم و تو را بیرون کشم!» (همان).

البته، به نظر نگارنده، این احتمال وجود دارد که چنین تعریف
کوتاهی از طنز، با وجود اینکه تعریفی جامع، بدیع، و بسیار درخور
توجه است، تعریف مانعی نباشد و حوزه گسترده‌ای از تناقض‌گویی‌های
هنرمندانه را دربرگیرد، که در این صورت، همه آن نمونه‌ها را باید طنز
دانست. از آن جمله، می‌توان به اشعار سبک هندی اشاره کرد که اغلب
تصاویری هنرمندانه از تناقض‌ها و اجتماع ضدیت‌ها هستند و در عین
حال، درباره مفاهیم جدی و غیر شوخ طبعانه و حتی مضامین تراژیک
گفته شده‌اند. از آن نمونه، می‌توان به برخی از ابیات صائب اشاره کرد:

گرچه دارم در بغل چون هاله تنگ آن ماه را
همچنان از شرم جای او در آغوشم تهی است

(صائب تبریزی، ۱۳۸۱: ۴۰)

□

نه بوی گل نه رنگ لاله از جا می‌برد ما را
به گلشن لذت ترک تماشا می‌برد ما را
سکن تکلیف همراهی به ما ای سیل پا در گل
که دست از جان خود شستن به دریا می‌برد ما را

(همان: ۱۲۹)

همچنین، این تعریف درباره شگردهای این تصویرگری هنری
بحثی نمی‌کند و با وجود اینکه از نظر دکتر شفیع فرم طنز، نظیر